

# کوشه‌ای از تاریخ ایران

بخش هجدهم  
دکتر ابراهیم تیموری

## آخرین مذاکرات حسین خان پالمستون

خواسته‌های پالمستون از ایران و پوزش نامه حاجی میرزا آقاسی

چنان‌که پیشتر گفته شد، حسین خان آجودانباشی چون از مذاکرات و مکاتبات خود با پالمستون نتیجه‌ای نگرفته بود به او اطلاع داد که قصد دارد روز ۸ ژوئیه ۱۸۳۹ لندن را به سوی پاریس ترک کند. اما پالمستون توسط میرزا ابراهیم به او پیغام داد چند روزی عزیمت خود را به تأخیر بیندازد تا پاسخ نامه‌های او داده شود.

سرانجام ممو راندم مفصلی به تاریخ ۱۱ ژوئیه ۱۸۳۹ در پاسخ نامه مورخ ۲۱ ژوئن ۱۸۳۹ حسین خان از طرف پالمستون تهیه شد و ضمن ارسال آن در نامه مختصری به تاریخ همان روز از حسین خان دعوت کردند که روز ۱۳ ژوئیه به دفتر لرد پالمستون وزیر امور خارجه انگلیس برود.

چنان‌که دیدیم، با وجود منع و نهی‌هایی که از ابتدا در مورد رفتن حسین خان به لندن می‌شد و همواره می‌گفتند که او را در آنجا نخواهند پذیرفت، این مرد با پشتکار خستگی‌ناپذیر و بی‌آنکه یأس و ناامیدی به خود راه دهد، نه تنها خود را به لندن رساند بلکه موفق شد به دیدار لرد پالمستون برود و با او مذاکراتی، هرچند غیررسمی، به عمل آورد. حالا وقتی اعلام می‌کند که عازم حرکت از لندن است، از او می‌خواهند چند روزی عزیمت خود را به تأخیر اندازد و حتی پالمستون وزیر امور خارجه انگلیس بار دیگر او را برای گفتگو به دفتر خود دعوت می‌کند.

## ممو راندم مورخ ۱۱ ژوئیه ۱۸۳۹ لرد پالمستون

پالمستون در این «ممو راندم» یا باصطلاح آن روز «تذکره»، پس از اشاره به اینکه اگر مأموریت حسین خان به موفقیت نینجامیده تقصیر از مقامات انگلیسی نیست، می‌نویسد نارضایی دولت انگلیس از دولت ایران به علل زیر است:

نخست، توهین و بی‌احترامی نسبت به مأموران دولت انگلیس

در ایران توسط مقامات رسمی ایران؛

دوم، کوشش دولت ایران برای تصرف افغانستان به تحریک کمک مأموران روسیه، با وجود اعتراضات دولت انگلیس.

دولت انگلیس، بیش از یک سال پیش، توسط وزیرمختار خود، سرجان مکنیل، در تاریخ ۳ ژوئن ۱۸۳۸ رسماً خواسته‌هایی را نزد دولت ایران مطرح کرده و گفته است تا زمانی که آن خواسته‌ها متحقق نشود، نماینده‌ای را از طرف شاه نخواهد پذیرفت. پس از آن در ۲۲ نوامبر ۱۸۳۸ بوسیله کلنل شیل اطلاع داده شده است که اگر دولت ایران هرچه زودتر با خواسته‌های انگلیس موافقت نکند ممکن است بعداً خواسته‌های دیگری نیز مطرح شود.

هرچند شاه بطور شفاهی در ۱۴ اوت ۱۸۳۸ و سپس توسط نایب وزیر امور خارجه خود کتباً در ۱۵ همان ماه وعده داده با همه خواسته‌های دولت انگلیس بی‌درنگ موافقت خواهد شد، اما تا امروز نه تنها آن وعده انجام نگرفته است، بلکه حوادث دیگری نیز روی داده که دولت انگلیس ناگزیر شده است درخواست‌های تازه‌ای عنوان کند.

در چنین وضعی دولت ایران مناسب دیده است که حسین خان به لندن عزیمت کند. با آنکه سرجان مکنیل در اوایل سپتامبر ۱۸۳۸ در تهران به او هشدار داده و سپس سفیران انگلیس در قسطنطنیه (استانبول) و وین و پاریس به او اخطار کرده‌اند که با توجه به روابط موجود میان دو کشور اگر به لندن برود بطور رسمی پذیرفته نخواهد شد و ممکن است خود را در معرض تحقیر و ناکامی قرار دهد، همچنان به سفر خود ادامه داده است.

اگر حسین خان پس از ورود به لندن اسناد و مدارک می‌داشت که می‌توانست ثابت کند همه خواسته‌های دولت انگلیس تأمین شده است، دولت انگلیس بی‌درنگ او را به گونه رسمی می‌پذیرفت. اما آن خواسته‌ها هنوز تأمین نشده و ترضیه به عمل نیامده و لرد پالمستون ناچار در مذاکرات خود به او گفته است که دولت انگلیس از پذیرفتن او معذور است.

تهدید کرده‌اند، کنگ زده‌اند و نامه‌ها و اشیاء همراه او را گرفته‌اند. حالا باید دید آیا دولت ایران با خواسته‌های دولت انگلیس که شاه هم وعده پذیرش آنرا داده است موافقت خواهد کرد یا نه.

خواسته‌های انگلیس مربوط به غلام چاپار، به این شرح است:

۱- حاجی خان قراباغی سرتیپ که با چاپار مزبور سخت بدرفتاری کرده است باید از خدمت در ارتش ایران برکنار شود.

۲- حاجی میرزا آقاسی وزیراعظم که می‌دانسته این مرد خدمتگزار نمایندگی انگلیس است و دستور زندانی کردن او را داده است باید کتبی و نه شفاهی از نماینده انگلیس معذرت بخواهد.

۳- برای آنکه چنین واقعه‌ای تکرار نشود شاه باید فرمائی، چنان که سرجان مکنیل مشخص کرده است، درباره مصونیت همه کسانی که در خدمت نمایندگی انگلیس هستند از هر ملیتی که باشند صادر و منتشر کنند.

پالمرستون در این مموارندم پس از اشاره به اینکه تاکنون دولت ایران از انجام دادن خواسته‌های انگلیس به نحوی طفره رفته و هیچ يك را چنان که باید و شاید انجام نداده است، می‌نویسد به نظر می‌آید شاه می‌خواهد به جای حاجی میرزا آقاسی خودش در نامه‌ای خطاب به پادشاه انگلیس معذرت بخواهد. دولت انگلیس با چنین ترتیبی مخالفت ندارد مشروط بر آنکه نامه شاه فقط راجع به همین موضوع باشد. حسین خان، چنان که در مذاکراتش اشاره کرده، شاه در نامه خود خطاب به پادشاه انگلیس گذشته از عنبرخواهی مطالب دیگری هم آورده‌اند و در این صورت نمی‌توان نامه‌ای را که دلای موضوعات بحث برانگیز باشد به ملکه تقدیم کرد. در نامه شاه آمده است که رفتار سرجان مکنیل موجب قطع رابطه بین دو دولت شده است، درحالی که برعکس، این قطع رابطه به علت رفتار دولت ایران بوده است و کارهای مکنیل طبق دستورهای دولت انگلیس بوده که قبلاً به او داده شده بوده یا بعد مورد موافقت و تصویب دولت انگلیس قرار گرفته است.

در نامه شاه مطالب اشتباه‌آمیزی درباره غلام چاپار نیز آمده است و منکر شده‌اند که کار خلافی صورت گرفته است. دولت انگلیس نمی‌تواند معذرت نامه‌ای را که حاوی چنین انکاری باشد دریافت کند، و اصلاً چرا وقتی کار خلافی صورت نگرفته، دولت ایران باید معذرت بخواهد؟

اگر نامه شاه فقط حاوی اظهار تأسف بود نامه بعنوان معذرت خواهی پذیرفته می‌شد. موضوع دستگیری غلام چاپار مهمترین علت قطع رابطه دو

نخستین خواسته دولت انگلیس مربوط به غلام چاپار نمایندگی انگلیس در اردوگاه ارتش ایران در نزدیکی مشهد است که دستگیری او توهین به پادشاه و ملت انگلیس تلقی شده و تجاوز از ضوابط و قوانینی است که ملتهای متممن در روابط با یکدیگر رعایت می‌کنند.

حسین خان می‌گوید که موضوع با آنچه سرجان مکنیل گزارش داده بوده متفاوت است. در واقع شرح این رویداد را مکنیل نداده است زیرا او در آن هنگام در تهران بوده، نه در اردوگاه شاه. شرح این واقعه را خود غلام چاپار و کلنل استودارت افسر مورد اعتمادی که در آن موقع در اردوگاه به سر می‌برده داده‌اند و گزارش کلنل استودارت دقیق بوده است و دولت انگلیس تردیدی در درستی آن ندارد.

اما گزارش‌های دولت ایران و مأموران آن با یکدیگر تطبیق نمی‌کند؛ چنان که به حسین خان دستور داده شده است در نامه مورخ ۲۱ ژوئن ۱۸۳۹ خود بگوید وقتی غلام چاپار دستگیر شده معلوم نبوده که خدمتگزار نمایندگی انگلیس است و به محض آنکه این نکته روشن شده، او را آزاد کرده‌اند. درحالی که میرزا علی نایب وزیر امور خارجه ایران که در آن هنگام در اردوگاه حضور داشته در نامه مورخ ۶ ژانویه ۱۸۳۸ به مکنیل نوشته است غلام چاپار از آن رو دستگیر و به اردوگاه برده شده که معلوم بوده مستخدم سرجان مکنیل است و از هرات می‌آید. به نظر شاه مکنیل حق نداشته در آن موقع (یعنی در هنگام جنگ) با مردم هرات مکاتبه کند.

بی‌گمان مطالب مندرج در نامه میرزا علی درست بوده است زیرا موسیو بروسکی غلام چاپار را بین اردوگاه و مشهد دیده بوده و می‌دانسته که این شخص در خدمت نمایندگی انگلیس است و پس از گزارش او به اردو، عده‌ای فرستاده می‌شوند تا او را دستگیر کنند و به اردوگاه ببرند.

اینکه دولت ایران حق داشته این مرد را چون در هرات بوده دستگیر کند قابل قبول نیست. سرجان مکنیل نماینده دولت انگلیس بوده و حق داشته هر کس را به هر جا که بخواهد، خواه هرات یا جای دیگر، بفرستد و هیچ کس حق نداشته موجب اذیت و آزار او بشود.

همچنین دولت انگلیس این موضوع را نمی‌پذیرد که چون غلام چاپار شهروند ایران است شاه حق دارد او را مجازات کند. طبق مقررات حقوق بین‌الملل وقتی کسی در خدمت يك نمایندگی خارجی است، خواه ایرانی یا غیر ایرانی، مصونیت خواهد داشت و کسی نمی‌تواند او را دستگیر کند.

حسین خان در نامه مورخ ۲۱ ژوئن خود منکر شکنجه شدن غلام چاپار پس از دستگیری بوده است. متأسفانه باید گفت پس از آنکه او را به اردوگاه برده‌اند لخت کرده‌اند، به او فحش داده‌اند،

دولت نبوده است. ضرورتی ندارد که یادآور شود موضوع مهم، حمله به قلمرو هرات و طرح ایران برای تصرف افغانستان است. با آنکه شاه وعده داده‌اند که نیروهای ایران را به داخل کشور عقب می‌کشند، ولی این وعده هنوز بطور کامل اجرا نشده، چنان که قلعه غوریان و بعضی جاهای دیگر هنوز در تصرف ایران است.

اگر دولت ایران واقعاً به دوستی با انگلیس علاقه دارد، مسائل دیگری هم در میان است که اهمیت کمتری دارد ولی باید حل و فصل شود، مانند گرفتن خانه میجر تاد توسط میجر جنرال سمینو، افسر فرانسوی در خدمت ایران؛ موضوع صراف بوشهر، توهین به ادمیرال انگلیسی که در بوشهر پیاده شده بود از سوی حاکم بوشهر، پرداخت طلب سرهنری بی تون (لینزی) بابت معادن قرا داغ و پرداخت دستمزد افسران انگلیسی که برای تعلیم و آموزش سپاهیان آذربایجان به ایران اعزام شده بوده‌اند.

البته دولت ایران فراموش نکرده که متعهد به انعقاد عهدنامه بازرگانی است و طرح آنرا سرجان مکنیل تهیه کرده که شاه با آن موافقت نموده است. بنابراین دولت انگلیس انتظار دارد که مقارن برقراری مجدد رابطه دیپلماتیک بین دو کشور، عهدنامه مزبور امضا شود.

نکته دیگر اینکه حسین خان ادعا می‌کند هیچ افسر روسی در خدمت ارتش ایران نبوده و روسها به هیچ وجه در محاصره هرات دخالتی نداشته‌اند. در پاسخ باید پرسید آیا موسیو بروسکی (M. Borowski) فرستاده امپراتور یک شهر وندروسی تلقی می‌شود یا نه؟ نیز این را همه می‌دانند که کنت سیمونیچ وزیر مختار روسیه و دیگر اعضای نمایندگی او وقتی در اردوگاه ارتش ایران در نزدیکی هرات بوده‌اند هرگونه توصیه نظامی و کمک فکری که می‌توانسته مفید واقع شود به شاه داده‌اند و این موضوع را کنت نسلرود وزیر امور خارجه روسیه در نامه‌ای که به دولت انگلیس نوشته صریحاً تأیید کرده است و بنابراین وقتی حسین خان می‌گوید هیچ یک از اعضای نمایندگی روسیه در محاصره هرات دخالت نداشته‌اند باید گفت دولت متبوعش او را در جریان کامل رویدادها قرار نداده است.

با توجه به آنچه شرح داده شد، خواسته‌های دولت انگلیس از ایران عبارت است از:

۱- معنرت نامه کتبی در رابطه با غلام چاپار نمایندگی انگلیس نوشته شود که در آن موضوع قابل ایراد و اعتراض دیگری نیامده باشد. این نامه باید از حاجی میرزا آقاسی وزیر اعظم، یا اگر شاه ترجیح می‌دهد، از خود شاه خطاب به ملکه انگلستان باشد.

۲- فرمانی حاکی از مصونیت همه اشخاص اعم از انگلیسی و ایرانی و غیره که در خدمت نمایندگی انگلیس هستند صادر و در ایران منتشر و رونوشت آن برای دولت انگلیس فرستاده شود. این

فرمان باید طبق آنچه در ممو راندم سرجان مکنیل مورخ ۴ ژوئن ۱۸۳۸ آمده و به شاه تسلیم گردیده، تنظیم شده باشد.

۳- غوریان و جاهای دیگری در افغانستان که توسط ایران اشغال شده است باید از سپاهیان ایران تخلیه و به افغانها مسترد گردد.

۴- به علت کوششی که از طرف میجر جنرال سمینو (Major General Semino) به عمل آمده تا خانه‌ای را که شاه در اختیار میجر تاد (Major Todd) قرار داده بوده است بگیرد، دولت ایران باید کتباً معنرت خواهی کند.

۵- تمام اشخاصی که نسبت به نمایندگی انگلیس در بوشهر در ماه نوامبر گذشته تعدی و تجاوز کرده‌اند باید تنبیه شوند.

۶- حاکم بوشهر که نسبت به Sir F. Maitland ادمیرال انگلیسی توهین کرده باید برکنار شود و دولت ایران دلیل این برکناری را آشکارا اعلام کند.

۷- طلب مورد ادعای سرهنری بی تون برای کارهایی که در قرا داغ انجام شده است تسویه گردد.

۸- طلب افسران انگلیسی که در خدمت ارتش ایران بوده‌اند پرداخت شود.

۹- همزمان با برقراری دوباره رابطه دیپلماتیک میان ایران و انگلیس باید عهدنامه بازرگانی به امضا برسد.

ضمناً به کلنل شیل دستور داده شده است همچنان در لرزوم بماند تا اگر دولت ایران بخواهد با دولت انگلیس مکاتبه کند از طریق او باشد. ۵۳۰

در پایان، پالمرستون به حسین خان خاطر نشان می‌کند که در نامه‌اش به "Queen" به جای واژه «پادشاه»، عنوان پایین تر یعنی «ملکه» داده شده است، در حالی که عنوان واقعی علیاحضرت، «پادشاه» است و دولت انگلیس انتظار دارد این نکته در نامه‌هایی رسمی که از دولت ایران دریافت می‌کند مراعات شود. ۵۳۱

## دومین جلسه مذاکرات حسین خان با پالمرستون

در این جلسه که به نوشته جیمز فریزر، تهیه کننده صورت جلسه، نزدیک به چهار ساعت به طول انجامیده، بیشتر همان مطالبی مطرح شده که موضوع مکاتبات و مذاکرات قبلی بوده است.

در آغاز وقتی پالمرستون از حسین خان خواست اگر مطالب بیشتری درباره مأموریتش دارد بیان کند، حسین خان گفت در مکاتباتش با مقامات انگلیسی اگر در ترجمه "Queen of Eng" "land" واژه «ملکه» را به جای «پادشاه» به کار برده، به هیچ وجه قصد بی احترامی نداشته است و افزود «ملکه» عنوانی بالاتر از «پادشاه» است و بعلاوه این واژه ترجمه درست واژه Queen است که خود ما آنرا به کار می‌بریم و مؤنث «ملک» است که به معنی King است؛ عنوانی که به خداوند داده شده و بنابراین از «پادشاه» که فقط یک مرد را در برمی‌گیرد برتر است. حسین خان در تأیید و اثبات گفته خود،

یک فرهنگ فارسی هم ارائه کرد.

لرد پالمستون پس از آنکه به کتاب فرهنگ نگاهی انداخت خاطر نشان کرد که «ملک» اصطلاح یا عنوانی است که از سوی پادشاهان مصر به حکام یا مأموران بالاتر داده شده است، در حالی که در رابطه با فرمانروای انگلستان، ما فرقی از لحاظ جنسیت نمی گذاریم. ترکها (عثمانیان) و خود ایرانی ها عنوان پادشاه را در مورد امپراتریس کاترین پادشاه روسیه به کار می بردند و ترکها آن را برای علیاحضرت پادشاه کنونی انگلستان به کار می برند و بی تردید این عنوان باید در مورد فرمانروای انگلستان نیز به کار برده شود.

حسین خان اصرار ورزید که نظرش درست است و واژه «ملکه» ترجمه درست «Queen» است و ایرانی ها معمولاً برای ملکه کاترین که معمولاً او را «خورشید کلاه» می نامند عنوان «ایمپراتریس» را به کار می برند. به هر حال اگر مقامات انگلستان ترجیح می دهند که ایرانیان برای فرمانروای انگلستان عنوان «پادشاه» را به کار ببرند، البته در آینده همین کار را خواهند کرد و منظور از این بحث آن است که بگویم با به کار بردن عنوان «ملکه» قصد توهینی در میان نبوده است.

پالمستون ضمن اظهار رضایت گفت که «پادشاه» عنوان درست برای ملکه سلطنت کننده (Queen Regnant) و «ملکه» عنوان درست برای همسر پادشاه (Queen Consort) است.

پس از این مقدمه، موضوعاتی مانند برکناری شیخ نصیر حاکم بوشهر و حاجی خان سر تیب قرباغی و معذرت خواستن حاجی میرزا آقاسی و صدور فرمانی از سوی محمدشاه مبنی بر مصونیت کسانی که در خدمت نمایندگی انگلیس هستند به میان آمد که تکرار مطالب گذشته بود.

پالمستون می گفت فرمانی که شاه صادر می کند باید در مساجد قرائت شود و رونوشت آن به ایالات چهارگانه (یا با اصطلاح آن روز «ممالک محروسه») آذربایجان، خراسان، فارس، و مازندران و عراق عجم ارسال گردد.

حسین خان اظهار امیدواری کرد پالمستون اصرار نرزد که همه خواسته هایش دقیقاً به گونه ای اجرا شود که موجب تحقیر و تخفیف شاه در نظر ملت ایران شود و هر یک از طرفین باید کمی از خواسته های خود بکاهد تا زودتر کارها رو به راه شود. حسین خان خواهش کرد نامه تبریک و تهنیت جلوس ملکه ویکتوریا که پیش از سوء تفاهم های اخیر نوشته شده و هدایایی که او از طرف شاه حامل آنها بوده پذیرفته و به پادشاه انگلیس تقدیم شود و اضافه کرد «با اختیار تامی که به من داده شده می توانم معذرت نامه مورد نظر را بنویسم تا به این ترتیب به اصلاح ذات البین نزدیک بشویم.»

پالمستون در پاسخ گفت خواسته ها باید همه تأمین شود و اگر اعلیحضرت (شاه) صمیمانه خواهان رفع اختلافات هستند فقط با

پذیرش خواسته های مورد نظر می توانند آنرا نشان دهند. اگر نامه تبریک نشستن ملکه به تخت سلطنت و هدایا پیش از بروز اختلافها رسیده بود بی تردید با خشنودی دریافت می شد، ولی با این وضع اکنون نمی توان آنها را به حضور علیاحضرت تقدیم کرد.

به گفته جیمز فریزر، تهیه کننده صورت جلسه، حسین خان پس از اشاره به اینکه شاه با اطلاع از این وضع رنجیده خاطر و ناخشنود خواهد شد، چون دید اصرار بیشتر فایده ای نخواهد داشت با حرارت شروع به سخن گفتن کرد تا ثابت کند که شاه به دوستی با دولت و ملت انگلیس نهایت علاقه را دارد و برعکس با روسیه چنان نیست و هیچ گونه علاقه ای به دوستی با آن کشور ندارد. حسین خان اظهار داشت شاه (محمدشاه) می گوید:

«ایران مدتهای مدید با انگلیس بهترین روابط را داشته است. ما می دانیم انگلستان نظرات خصمانه ای نسبت به ما ندارد. ما غالباً از ارتباط با انگلستان منتفع شده ایم و امیدواریم دوباره همین طور بشود. روسیه برعکس موجب خیلی بدبختی ها برای ما شده است. روسیه تاکنون ۶۰۰۰۰۰ نفر از مردم ما را به قتل رسانده، ما هم عده ای از آنها را کشته ایم. روسیه بهترین ایالات ما را تصرف کرده و ما را از زیباترین قسمت آذربایجان محروم ساخته است. روسیه خزانه ای را که پدر بزرگ من (فتحعلی شاه) جمع آوری کرده بود غارت نموده و مرا به حال و وضعی انداخته که تقریباً برای هزینه های معمولی در مانده ام و هنوز هم منتظر فرصت است تا باز هم قسمت دیگری از این کشور را بگیرد. با این وضع چطور ممکن است من دوستی و اتحاد با آن کشور را که برای ما تا آن حد مصیبت بار و مخرب بوده به دوستی با انگلستان که تا آن اندازه مفید بوده ترجیح بدهم؟ مطمئن باشید آنچه تصور می کنید توجه و طرفداری من نسبت به روسیه است نتیجه ترس است، نه عشق و علاقه. اینکه از روسیه می ترسم بی دلیل نیست و بنابراین ناچار باید آن را به صورت دوست بیپذیرم، بخصوص که به نظر می آید انگلستان تصمیم گرفته است مرا به حال خود رها کند.»

حسین خان ادامه داد: «شاه هیچ گاه از دوستی با انگلیس مأیوس نشده است، هر چند دولت انگلیس با اغتنام از فرصتی که به علت مضیقه و پریشانی مالی ایران ایجاد شده بود، ایران را از کمکی که طبق عهدنامه می بایست بپردازد تا بتواند در برابر تجاوز خارجی مقاومت کند، محروم ساخته است.<sup>۵۲۲</sup>

هنگامی که من ایران را ترک می کردم پادشاه نامه ای کاملاً سری که با دست خود نوشته بودند، به من دادند که در صورت لزوم آنرا فقط به جنابعالی نشان بدهم. این دستخط حاکی از نظرات و احساسات ایشان در این باره است: ترس ایشان (شاه) از روسیه و علاقه به دوستی و اتحاد بیش از گذشته با انگلستان. من پیش از این جرأت نمی کردم با حضور کسی در این باره صحبت کنم تا آنکه جنابعالی مرا مطمئن کردید که آن آقا (جنتلمن) (نویسنده صورت



جلسه) مورد اعتماد شماسست و به این جهت اکنون آن را به شما می‌دهم. شاه می‌خواهند پسر خود را، مانند عباس میرزای مرحوم، به سیک و سلیقه و مشرب انگلیسی تربیت کنند و او را به حکومت آذربایجان بگمارند.

در اینجا حسین خان روایت کوتاهی را که نشانگر تنفر شاه از روس‌ها بود نقل کرد و گفت پس از قتل گریبایدوف وزیرمختار روسیه و اعضای هیأت همراه او در تهران پیشنهاد شده بود یکی از شاهزادگان به سن پترزبورگ اعزام شود تا امپراتور انتقام خود را از او بگیرد. محمد میرزا (شاه کنونی) برای این منظور انتخاب شد، اما او سخت با رفتن به روسیه مخالف بود. وقتی فتحعلی‌شاه و پدرش (عباس میرزا) به او برای رفتن به روسیه اصرار کردند او گفت «خوب شما پدر من هستید و آنچه را می‌خواهید انجام می‌دهم، اما باید بگویم که اگر مرا به بیرون از ایران بفرستید دیگر مرا نخواهید دید زیرا من به روسیه نخواهم رفت.»

حسین خان افزود: «من اعلیحضرت را بهتر از همه می‌شناسم، زیرا من و ایشان در یک مدرسه بوده‌ایم و به خوبی می‌دانم تا چه اندازه انگلیسی‌ها را دوست دارند و از روس‌ها متنفرند.»

پالمستون در پاسخ گفت ما منکر حسن نیت شاه نیستیم اما نمی‌توانیم به قلب یک نفر نگاه کنیم و ببینیم در آنجا چه می‌گذرد. در چنین کشورهایی که معمولاً پادشاه و دولت یکی هستند، در واقع کارهای یکی کارهای دیگری هم تلقی می‌شود. ما از روی کردار و نه گفتار درباره‌ی تمایل و افکار یک نفر قضاوت می‌کنیم؛ بنابراین طبق این قاعده ما درباره‌ی تمایل شاه و دولت ایران نسبت به انگلستان می‌توانیم قضاوت کنیم. انگلیس خواهان خیر و صلاح ایران است. ۵۳۳

شاه کنونی (محمدشاه) سلطنتش را مدیون انگلیس است و با کوشش افسران انگلیسی به سلطنت رسیده است، ولی رفتارش نسبت به انگلیس روز به روز غیر دوستانه‌تر و حتی توهین آمیز شده است. ایران باید با انگلیس و روسیه یکسان رفتار دوستانه داشته باشد. در گذشته، ایران به توصیه‌های انگلیس توجه می‌کرد ولی شاه کنونی رفتارش غیر از این است. انگلیس می‌خواهد نماینده خود را به ایران بفرستد به شرط آنکه امنیت و احترامش محفوظ باشد. اگر شاه خواهان دوستی انگلستان است باید قبلاً صداقت خود را نشان دهد و این دلیل تحقیق نیست. شاه از هرات عقب نشینی کرده ولی غوریان را هنوز در تصرف دارد. اقدام ایران در لشکر کشی به هرات با پول خارجی و تحریک خارجی بوده است.

حسین خان ضمن دادن پاسخ‌های مناسب به پالمستون گفت که غوریان متعلق به ایران است و حفظ آن برای جلوگیری از دست‌اندازی افغان‌ها به خراسان بوده است.

پالمستون به حسین خان گفت شاه به جای لشکر کشی به

هرات و تصرف آنجا می‌توانست، چنان که سرجان مکنیل پیشنهاد کرده بود با انعقاد عهدنامه‌ای امنیت قلمرو خود را تأمین کند، ولی هدف نهایی ایران تصرف هرات و بلکه سراسر افغانستان است.

حسین خان پاسخ داد این دقیقاً همان چیزی است که خود شما (انگلیسی‌ها) انجام می‌دهید. شما برخلاف ماده عدم دخالت در عهدنامه با اعزام نیرو از سوی ایران به هرات مخالف هستید ولی خودتان نیرویی فرستاده‌اید تا سراسر افغانستان را تصرف کند.

پالمستون گفت «پاسخ من آن است که اگر ایران شروع به این کار نکرده بود، ما هرگز فکر دخالت در امور افغانستان را هم نمی‌کردیم. ما خواهان استقلال افغانستان هستیم. ایران می‌گوید نه، و می‌خواهد آنجا را تصرف کند و به این کار اقدام کرده است. انگلستان کور نیست. ما می‌فهمیم این کار یعنی چه و اجازه نخواهیم داد. بنابراین می‌گوییم افغانستان باید انگلیسی باشد. با این حال افغانستان را برای خودمان نمی‌خواهیم. شاه شجاع فرمانروای سابق و قانونی آن کشور که از دوستان قدیم ماست چند سال پیش از ما خواست به او کمک کنیم تا بتواند تاج و تخت خود را به دست آورد. ما به او گفتیم در این کار دخالت نمی‌کنیم؛ این مسائل را بین خودتان حل و فصل کنید. او سعی کرد ولی سرانجام شکست خورد و مجبور شد به قلمرو انگلیس فرار کند و زیر حمایت ما قرار گیرد. اکنون چون استقلال افغانستان از سوی ایران مورد تهدید قرار گرفته و ایران با قندهار و کابل عهدنامه‌هایی منعقد ساخته و نمایندگان روسیه هم آنرا تضمین کرده‌اند، ما تصمیم گرفته‌ایم به شاه شجاع کمک کنیم تا سلطنت خود را به دست آورد و او به جای دوست محمد و رؤسای قندهار، فرمانروای افغانستان خواهد بود. به محض آنکه شاه شجاع بر تخت سلطنت مستقر گردد، نیروهای انگلیس عقب‌نشینی خواهند کرد. شما هم باید غوریان را تخلیه و عقب‌نشینی کنید.

حسین خان دوباره با حرارت این اتهام را که اقدام محمدشاه در لشکر کشی به هرات به تحریک و با کمک خارجی بوده رد کرد و گفت کنت سیموئیچ وزیرمختار روسیه از این جهت به اردوگاه ارتش ایران در نزدیکی هرات رفته که مستر مکنیل وزیرمختار انگلیس قبلاً به آنجا رفته بود. هدف از نگهداری غوریان نیز فقط جلوگیری از تجاوز افغان‌ها به مرزهای ایران است.

به گفته جیمز فریزر تهیه کننده صورت جلسه، وقتی گفتگوها، به علت تکرار مطالب از طرف حسین خان و بحث درباره‌ی مسائل خارج از موضوع، دامنه پیدا کرد، پالمستون نقشه‌ای از آسیای مرکزی را در میان گذاشت و ضمن نشان دادن آن به حسین خان گفت اینجا هندوستان است؛ اینجا روسیه؛ اینجا ایران؛ و افغانستان میان آنها قرار گرفته است که روسیه از طریق آنها می‌خواهد پیشروی کند. چگونگی روابط انگلیس و روسیه هر چه باشد، انگلیس می‌خواهد جلو پیشرفت روسیه و نزدیک شدن بیشتر آن به

نوشت: «به ایلیچی خود که در دربار انگلیس مقیم می‌باشد دستور داده‌ام درباره کیفیت‌هایی که آن اعلیحضرت بمن نوشته‌اند با وکلای دولت انگلیس بی‌تعویق و تعلل محاوره نماید و هر آینه همگی قوت مجدده مهمه را در کار خواهد داشت تا که میان دولتین شما و انگلیز... بزودی زود مخالفت به موافقت انجامد...»<sup>۵۳۵</sup>

جاستین شیل کاردار انگلیس در یکی از گزارش‌های خود در اوایل سال ۱۸۳۹ درباره اوضاع ایران می‌نویسد: طبق اطلاع رسیده از دو منبع موثق در تهران، نامه‌هایی از امپراتور روسیه دریافت شده که در آنها اعلام گردیده است او به سفیر خود در لندن دستور داده است از تجاوز ناموجه انگلیس به ایران شکایت کند. امپراتور از دولت انگلیس خواسته است جزیره خارک را تخلیه کند و کشتی‌های جنگی خود را از خلیج فارس بیرون ببرد. امپراتور به هر دو طرف توصیه می‌کند از مقررات عهدنامه‌های خود سرپیچی نکنند.

به نظر شیل، شیوه نگارش نامه امپراتور به منظور کسب اعتبار در این کشور است و می‌خواهد به ایرانی‌ها بگوید که حل و فصل اختلاف‌های ایران و انگلیس در نتیجه نفوذ روسیه یا اخطار آن کشور به دولت انگلیس بوده است.<sup>۵۳۶</sup>

در اینکه در اجرای دستور امپراتور، نمایندگی روسیه در لندن کار مؤثری کرده باشد تردید است، زیرا مقامات انگلیس همواره در این باره می‌گفته‌اند که میان‌جیگری روس‌ها را در حل و فصل اختلاف‌های خود با ایران نخواهند پذیرفت، چنان‌که وقتی حاجی میرزا آقاسی معنرت نامه‌ای از طریق سفارت روسیه در ایران برای لرد پالمستون فرستاد، وزیر امور خارجه انگلیس ضمن توضیحاتی از پذیرش آن خودداری کرد.

بیشتر اشاره شد که جان مکنیل وزیر مختار انگلیس در بازگشت به لندن از راه روسیه در فوریه ۱۸۳۹ در پترزبورگ به دیدار کنت نسلرود وزیر امور خارجه روسیه رفت و درباره رویدادهای ایران مدتی با او گفتگو کرد. پس از آنکه نسلرود خلاصه گفتگوهای خود با مکنیل را توسط دو هامل وزیر مختار تازه روسیه به آگاهی حاجی میرزا آقاسی رساند، حاجی معنرت نامه‌ای به تاریخ ۱۲ صفر ۱۲۵۵ (۲۳ آوریل ۱۸۳۹) برای لرد پالمستون نوشت و آنرا از طریق سفارت روسیه در تهران و وزارت امور خارجه روسیه در پترزبورگ و نمایندگی روسیه در لندن برای وزیر امور خارجه انگلیس فرستاد ولی پالمستون آن را نپذیرفت.

در این معنرت نامه، حاجی میرزا آقاسی پس از اشاره به گفتگوهای مکنیل با نسلرود می‌نویسد: مکنیل گفته بود علت اختلاف ایران و انگلیس، دستگیری غلام چاپار نمایندگی انگلیس و عدم ترضیه بوده، و اگر این محظور و مشکل ناراحت کننده از میان برداشته شود هیأت نمایندگی انگلیس مانند سابق به ایران بازمی‌گردد. حاجی میرزا آقاسی ضمن اذعان به اینکه کاری

مرزهای هند انگلیس را بگیرد. سالهای دراز، وقتی دولت ایران صمیمانه با انگلستان همبستگی داشت، دولت انگلیس ایران را به منزله يك سد خوب و کافی تلقی می‌کرد و خواهان حفظ استقلال آن بود و اوضاع افغانستان برای انگلستان به نسبت اهمیت چندانی نداشت، اما در سالهای اخیر استقلال افغانستان برای انگلستان اهمیت زیادی یافته و تصمیم گرفته است آنرا حفظ کند؛ زیرا اوضاع به صورتی در آمده است که اگر ایران موفق به تصرف افغانستان شود، انگلستان آنرا فقط گشایش راهی به سوی سند تلقی می‌کند و نمی‌تواند با چنین وضعی موافقت کند.

وقتی حسین خان مفصل بودن نامه پالمستون را یادآور شد و درخواست کرد آنچه را از ایران خواسته می‌شود در چهار خط در يك صفحه با خط خود بنویسد، پالمستون خاطر نشان کرد که همه آنها در دو سه صفحه پایانی آن نامه آمده است و نمی‌تواند از آن خلاصه‌تر باشد. ایران باید همه آن خواسته‌ها را انجام دهد و نباید هیچ يك را نادیده بگیرد. چاره کار برای ایران آسان است: تأمین خواسته‌های انگلستان؛ جبران آنچه در گذشته روی داده و پذیرش راه و روشی تازه برای آینده؛ تخلیه غوریان و خودداری از تجاوز به استقلال افغانستان. در آن صورت انگلستان روابط دوستانه خود را با ایران تجدید خواهد کرد. نپذیرفتن این شرایط موجب خواهد شد که دوستی انگلستان را از دست بدهید.

در پایان، حسین خان موضوع طلب‌های ایران از انگلستان را به میان کشید که پالمستون ضمن پاسخی کوتاه آنها را رد کرد ولی گفت جای بحث و گفتگو درباره آنها موکول به تجدید روابط دوستانه میان دو کشور در آینده خواهد بود.<sup>۵۳۷</sup>

### مخالفت با پادرمیانی روسیه

چنان که دیدیم، از آغاز اختلاف‌های ایران و انگلیس بر سر هرات، کنت سیمونینج وزیر مختار روسیه به محمد شاه و حاجی میرزا آقاسی وعده همه‌گونه پشتیبانی از طرف روسیه می‌داد. زمامداران ناآگاه ایران که در نتیجه وعده‌های فریب آمیز کنت سیمونینج اغفال شده بودند وقتی به علت فشار و تهدیدهای انگلیسی‌ها ناگزیر از رفع محاصره هرات و عقب کشیدن نیروهای ایران شدند، با درخواست‌های شفاهی و نوشتن نامه‌هایی از مقامات روسیه می‌خواستند ضمن پشتیبانی از ایران، برای حل و فصل اختلاف‌های ایران و انگلیس پادرمیانی کنند.

گذشته از نامه‌ای که میرزا مسعود وزیر امور خارجه ایران به کنت نسلرود نوشت و متن آن پیشتر نقل شد، محمدشاه نیز ضمن نامه‌ای از نیکلا امپراتور روسیه خواسته بود برای بهبود روابط ایران و انگلیس اقدام کند.

امپراتور روسیه در نامه‌ای به تاریخ ۲۵ اکتبر ۱۸۳۸ (شعبان ۱۲۵۴) در پاسخ نامه محمدشاه پس از اظهار علاقه به دوستی با ایران

حاجی میرزا آقاسی را که توسط کاردار روسیه در لندن برای او فرستاده شده بود نپذیرفت.

پالمرسیون در نامه‌ای به تاریخ ۱۵ اوت ۱۸۳۹ به لرد کلن ریکرد (Lord Clanricarde) سفیر انگلیس در پترزبورگ نوشت: دو ماه قبل موسیو کیسلف (M. Kisseleff) کاردار نمایندگی روسیه در لندن نامه‌ای برای من آورد و گفت این ترجمه نامه فارسی حاجی میرزا آقاسی است که خطاب به شما نوشته شده و اصل آنرا هم آورده‌ام تا اگر حاضر به قبول آن باشید، آنرا به شما بدهم و اضافه کرد این نامه از تهران به پترزبورگ و از پترزبورگ به لندن فرستاده شده است.

پالمرسیون پس از اشاره به معذرت نامه حاجی میرزا آقاسی که طبق خواسته کنت نسلرود و پس از ملاقات و مذاکرات با سرجان مکتیل نوشته شده بود، و قبلاً چگونگی آن شرح داده شد، می‌گوید این معذرت نامه کافی نیست و اگر هم کافی بود چون از طریق دولت روسیه فرستاده شده است قابل قبول نخواهد بود.

پالمرسیون در نامه خود به سفیر انگلیس در پترزبورگ می‌نویسد سرجان مکتیل که در راه بازگشت به انگلستان بطور خصوصی با کنت نسلرود دیدار کرده، دستوری از دولت متبوع خود نداشته و مجاز به این کار نبوده است و اظهار تأسف می‌کند که چرا کنت نسلرود درباره اختلاف ایران و انگلیس و خواسته‌های دولت انگلیس از سفیر انگلیس در پترزبورگ که مقام صالح در این زمینه است استفسار نکرده است.

پالمرسیون پس از شرح خواسته انگلیس برای معذرت خواهی درباره دستگیری غلام چاپار و دیگر خواسته‌ها، و اینکه معذرت نامه حاجی میرزا آقاسی صادقانه و از روی حقیقت نبوده است و غوریان و جاهای دیگر باید تخلیه شود و کنت نسلرود در این تصور که خواسته‌های دولت انگلیس منحصر به همان‌ها بوده دچار اشتباه شده است، می‌نویسد:

اگر دولت انگلیس عنذر خواهی دولت ایران از طریق روسیه را بپذیرد، در واقع مانند آن است که اعتراف کرده باشد ایران تحت قیمومت و تحت الحمایگی روسیه است و چنین چیزی برخلاف نظر دولت انگلیس و حتی خود دولت روسیه است که همواره اعلام کرده‌اند خواهان حفظ استقلال سیاسی ایران هستند. گذشته از این، اختلاف انگلیس، مستقیماً با ایران است و ما کارداری (جاستین شیل) داریم که در ارزروم نزدیک مرز ایران مستقر شده و مأموریت او بویژه مبادله نامه‌ها با دولت ایران است. گذشته از آن، دولت ایران نماینده‌ای (حسین خان آجودانباشی) به انگلستان فرستاده است که با او، هر چند بطور غیررسمی، سرگرم مذاکره و مکاتبه هستیم. اگر دولت ایران مطلبی داشته باشد می‌تواند توسط کاردار انگلیس یا نماینده خود به ما بگوید. بنابراین از دریافت نامه فارسی حاجی میرزا آقاسی که کاردار روسیه ترجمه فرانسه آنرا

برخلاف مقررات حقوق بین الملل صورت نگرفته و دستگیری غلام چاپار که از کشوری می‌آمده که با ایران در حال جنگ بوده کار خلافی به‌شمار نمی‌رفته است و به محض شناسایی هم او را آزاد کرده‌اند و پاکت حاوی نامه‌های همراهش را بی‌آنکه بگشایند به او پس داده‌اند، می‌نویسد: با وجود این، به نشانه علاقه به دوستی با دولت انگلیس و پذیرش توصیه دولت روسیه اعلام می‌دارد که اولاً حاجی خان قراباخی فقط به علت درخواست مکتیل برکنار شده است؛ ثانیاً آنکه به هنگام محاصره هرات من (حاجی میرزا آقاسی) می‌خواستم شخصاً نزد مکتیل بروم و از او به علت این رویداد ناگوار عنذر خواهی کنم و او نپذیرفت، اکنون کتباً این معذرت را اعلام و اظهار می‌دارم که دستگیری و زندانی کردن غلام چاپار دولت انگلیس بی اطلاع دولت ایران بوده است.<sup>۵۲۷</sup>

رونوشت این معذرت نامه را میرزا مسعود وزیر امور خارجه نیز ضمن نامه‌ای به تاریخ ۲۷ ژوئن ۱۸۳۹ (۱۷ ربیع‌الثانی ۱۲۵۵) برای کلنل شیل به ارزروم فرستاد.<sup>۵۲۸</sup>

کلنل شیل در نامه‌ای نسبتاً مفصل به تاریخ ۱۹ ژوئیه ۱۸۳۹ ضمن اعلام وصول نامه میرزا مسعود، می‌نویسد قطعاً حسین خان مقامات دولت متبوع خود را آگاه ساخته است که وقتی نامه‌ای توسط پرنس مترنیخ صدراعظم اتریش برای لرد پالمرسیون فرستاده، این نامه پذیرفته نشده و بازگردانده شده است. گذشته از آن، مقامات دولت ایران اطلاع دارند که کلنل شیل برای مبادله نامه‌های ایران و انگلیس در ارزروم مانده است و نامه حاجی میرزا آقاسی به لرد پالمرسیون می‌بایست توسط کلنل شیل به لندن فرستاده می‌شد، نه از راه پترزبورگ و توسط مقامات روسیه.

کلنل شیل ضمناً در نامه خود خاطر نشان کرده بود که چون نامه حاجی میرزا آقاسی خطاب به لرد پالمرسیون بوده و از راه نمایندگی انگلیس فرستاده نشده است، ضرورتی نمی‌بیند که درباره کفایت یا عدم کفایت آن اظهار نظر کند، فقط یادآور می‌شود که به نظر می‌آید دولت ایران خواسته‌های دیگر دولت انگلیس را که لرد پالمرسیون بویژه در نامه‌های خود انجام گرفتن آنها را لازم دانسته، نادیده گرفته است.

کلنل شیل در پایان این نامه پس از اشاره به اینکه نادیده گرفتن خواسته‌های دولت انگلیس از سر غفلت بوده است، اظهار امیدواری کرده بود که نامه‌هایی از مقامات دولت ایران و از جمله جناب حاجی میرزا آقاسی دریافت کند که مورد پذیرش و رضایت دولت انگلیس باشد و از راه نمایندگی آن دولت فرستاده شود.<sup>۵۲۹</sup>

گذشته از پاسخی منفی که کلنل شیل درباره معذرت نامه حاجی میرزا آقاسی و ارسال آن از طریق دولت روسیه به میرزا مسعود وزیر امور خارجه ایران داده بود، لرد پالمرسیون نیز در همین زمینه پاسخی به کنت نسلرود وزیر امور خارجه روسیه داد و معذرت نامه

حیات خلالت و نبات نضال کمال و کتاب اسما و مشعطا  
 شرحی که بتاریخ نیست و دویم ماه اپریل ۱۸۳۹ عیسوی قلمی است تو در شرح و توضیح  
 داشت و از مضامین آن کابجی محمول سید در جواب کثرت رای کجای مصابی  
 که دولت علیه ایران دوستی دولت انگلیس موازاتت قدیم ذره انظر و محکا و صحیح  
 محال نیست بعضی منافات میان این دو معلوم است که نام این کار با معنی و حدود  
 پس به کلیش مشود بسبب نجات و منصف را بر خود رواه کار را نام و معنی که نام و معنی  
 دولتین که بر اثر بی ساطک و منافات خللی واقع شود چون معنی که دولت پس اظهار  
 همگی عمل آمده و مضمون کاغذی که نامت وزیر دولت است تاریخ نازدهم اگست ۱۸۳۹  
 کین نوشت تو بتاریخ دوازدهم شهریور ۱۲۵۵ هجری قمری است که ابوتطاهر از حال و در مجاز و  
 روضه اکل عمل آمده قطع حاصل است که اسباب که در وقت بالمره حربه و ساطک بر او  
 خواهد است حسین جان می این دولت در دربار ایران دولت است مورد اقیانوس خواهد بود  
 بر لصرع و در پیوسته و خود آن محاسبه رای صد دولت بوده و کلمه بر بر روی دولت است ۱۸۳۹

توضیح سند شماره ۱۰

نامه مورخ ۴ ماه ربیع الاخر ۱۲۵۵ (۱۷ ژوئن ۱۸۳۹) میرزا مسعود وزیر امور خارجه ایران به لرد پالمستون وزیر امور خارجه انگلیس. در پشت این نامه: سجع مهر میرزا مسعود «الله الله الملك الحق المبين عبده مسعود» مجموعه F.O. 60/66 بایگانی اسناد دولتی در لندن. ترجمه انگلیسی در من ۷۷ نامه های پارلمانی سال ۱۸۴۱.



در آمد) ایران اسمی هست و رسمی نیست، قشون بسبب اینکه جیره و مواجیش بوقت نمی‌رسد، از مشق و نظام افتاده است. حکام که قاعده رعیت‌پروری نمی‌دانند یا می‌دانند زیادی طمع فراموششان کرده است، رعیت را بستوه آورده‌اند. سوای اینکه با همسایه‌ها بسازیم و تکلیف ایشان را قبول کنیم و در فکر نظم داخل مملکت باشیم چه چاره باقیست؟»

حاجی میرزا آقاسی افزوده است:

«هو، نوکرهای دلسوز کاردان در کنارند و بلوازم منصب خود نمی‌پردازند و به کار دیگران نظم می‌دهند و آدمهای بی‌سررشته نادان دخیل کار، از اینجهت کار دولت مغشوش شده باید افسوس و دریغ خورد نه برای گرفتاری چپار دولت بهیه انگلیس.»

محمدشاه پس از آنکه دو سه جا مطالبی نوشته است که اگر لازم باشد به نامه اضافه شود، در حاشیه بالای این پیش نویس خطاب به حاجی میرزا آقاسی نوشته است:

«هو، جناب حاجی آن روز مسوده که کرده بودند بد نبود و اینها که در حاشیه نوشتن باین بیفزائید بد نیست چه عیب دارد. اگر اینطور بهتر می‌دانید بنویسید یا بی‌علاوه، که این آدم زود برود پیش مستر شیل.»

جمله آخر می‌تواند نشانه آن باشد که محمدشاه برای حل و فصل اختلافات خود با انگلیسی‌ها شتاب داشته است. فتو کپی پیش نویس پوزش نامه موجود در آرشیو وزارت امور خارجه ایران در اینجا گراور شده است.

از روی پیش نویس مزبور، اصل پوزش نامه به شرح زیر خطاب به لرد پالمستون تهیه و به لندن فرستاده شده است.

### پوزش نامه حاجی میرزا آقاسی

#### خطاب به لرد پالمستون

«جناب جلالت و نیالت نصابا درایت و فطانت اکتسابا کیاست و فراست اتنسابا دوستان نوازا مشفق معظم مفتحاً. سواد ترجمه تذکره که آن جناب جلالت نصاب بعالیجه حسین خان قلمی داشته بودند در بیست و نهم شهر جمادی الاخری بتوسط عالیجه مستر شیل واصل گردید و بر مضامین آن اطلاع حاصل شد. چون دولت علیه ایران بسیار طالب و خواهان است که دوستی قدیم که با دولت بهیه انگریز داشته است عنقریب بحالت اولی معاودت کند لهذا همه مطالبی که در آن تذکره قلمی شده بود قبول گردیده بدین تفصیل دوستدار جواب می‌نویسد که: اولاً دوستدار از گرفتاری چپار دولت سنیه انگریز هنگام لشکر کشی بجانب هرات افسوس و دریغ بسیار دارد و از آن جناب عنر خواهی می‌نماید و برای اینکه من بعد چنین امر نامالیمی اتفاق نیفتد فرمائی شرف صدور پذیرفت که متعلقان سفارت انگلیس خواه ایرانی باشند

کلنل شیل که در ارزوم رویدادهای ایران را زیر نظر داشت و توسط عوامل خود اطلاعاتی به دست می‌آورد، نامه‌ای به تاریخ ۲۷ جمادی الاول ۱۲۵۵ (۶ اوت ۱۸۳۹) از تهران دریافت کرد مشعر بر اینکه محمدقلی خان (بسر آصف الدوله دایی پادشاه) اطلاع داده است که شاه، امیراتور روسیه را تحسین می‌کند و گفته است امیراتور نامه‌ای به شاه نوشته و یادآور شده که به سفیر روسیه در لندن دستور داده است سعی کند صلحی بین ایران و انگلیس برقرار شود و شاه از این موضوع بسیار خوشنود است. امیراتور اظهار عقیده کرده است که دولت انگلیس باید نامه عنرخواهی حاجی میرزا آقاسی را بپذیرد و جزیره خارک را تخلیه کند و به حکومت فارس تحویل دهد. اگر انگلیسی‌ها به این ترتیب رضایت ندهند و صلح میان ایران و انگلیس برقرار نشود، امیراتور بیم آن دارد که هر دو طرف متحمل صدمات و خساراتی بشوند. ۵۲۱

در نامه دیگری به تاریخ ۱۱ جمادی الثانی ۱۲۵۵ (۲۰ ماه اوت ۱۸۳۹) از تهران خطاب به کلنل شیل در ارزوم گفته شده بود که حسین خان آجودانباشی در گزارشی نوشته است:

«وساطت روسها و کمک سفیر روسیه در لندن هیچ فایده‌ای برای من نداشته و نخواهد داشت. می‌ترسم همه زحماتی که متحمل شده‌ام بی‌فایده باشد. مسلماً باید نامه معذرت از حاجی میرزا آقاسی هر چه زودتر برای من فرستاده شود، شاید به نحوی امور توسط خود ما حل و فصل گردد. به هیچ وجه نمی‌توان مطمئن بود که میانجیگری روسها به موفقیّت بینجامد زیرا به آن طریق امور رویه راه نخواهد شد.» ۵۲۲

### پوزش نامه حاجی میرزا آقاسی

حاجی میرزا آقاسی با همه ایستادگی که در برابر زورگویی انگلیسی‌ها از خود نشان داد و نزدیک به یک سال و نیم از پذیرش خواسته‌های آنان به بهانه‌های گوناگون طفره رفت، سرانجام وقتی از پشتیبانی روس‌ها نومید شد، با دریافت گزارش حسین خان از لندن و معمور اندم (یا تذکره) پالمستون، چاره‌ای جز پذیرش خواسته‌های انگلیسی‌ها ندید و همه را قبول کرد.

نوشته کوتاهی که در این زمینه از حاجی میرزا آقاسی باقی مانده است تا اندازه‌ای می‌تواند روشن کننده نظرات او و علت یا علل تسلیم شدنش در برابر همسایه نیرومند شرقی ایران و نوشتن پوزش نامه باشد. حاجی میرزا آقاسی در حاشیه پیش نویس پوزش نامه‌ای که به احتمال زیاد خود او تهیه کرده است، ظاهراً خطاب به میرزا علی نایب وزیر امور خارجه ولی برای آگاهی محمدشاه نوشته است:

«هو، فرزنداسواد معذرت را بطوری که لرد پالمستان خواهش کرده بود نوشتن و ظاهراً جز قبول چاره دیگر نباشد. از مداخل





تحریر آفی پنجم شهر رجب المرجب سنه ۱۲۵۵ «۵۲۳»  
(۱۸۳۹ سپتامبر)

پشت صفحه، محل مهر «آقاسی»

فتو کپی اصل این بوزش نامه موجود در مجموعه F.O. 60/69 در اینجا گراور شده است.

سواد فرمان در باب متعلقان سفارت انگلیس: که چون بیاس اتحاد دولتین ابد تاسیس ایران و انگلیس منظور نظر مرحمت گستر اقدس شاهنشاهی آنست که اتباع و متعلقان سفرای دولت بهیبه انگلیس که در این دولت علیه بار اقامت دارند در کمال اطمینان و آسودگی خاطر بوده پیوسته در ظل رافت و حمایت نواب همایون ما باشند لهذا در هذه السنه تنکوز ثیل سعادت دلیل این همایون منشور عنایت دستور عز صدور و شرف ترقیم می یابد که اتباع و متعلقان سفارت انگلیس خواه ایرانی باشند یا غریبه در امان و محفوظ اند و در هر حال همچنانکه در سایر دولت ها به کسان ایشان که از اهل آن دولت باشند معامله میشود در این دولت جاوید آیت نیز با آنها همان قسم معامله خواهد شد. ۵۲۴

تحریر آفی ۵ شهر رجب سنه ۱۲۵۵

سواد فرمان بافتخار جناب آصف اللوله بتاريخ ۵ شهر رجب سنه ۱۲۵۵ ..

که چون دولت علیه بهیبه انگلیس از دولت علیه خواهشمند شده بود که قلعه غوریان را تخلیه نمائیم، بنا بیاس اتحاد دولتین علیتین مسئول آن دولت بمنز قبول مقبول و به آن جناب امر و مقرر میفرمائیم که بعد از ورود ایلچی دولت بهیبه انگلیس بدر بار اقدس همایون، آن خال خجسته فال قلعه غوریان را از قرار خواهش آن دولت بهیبه تخلیه کرده بافاغنه سپارد.

می باید آن خال خجسته فال موافق مدلول حکم قضا شمول معمول داشته و در عهده شناسد. ۵۲۵

در شماره بعد خواهیم دید وقتی میرزا مسعود وزیر امور خارجه ایران ضمن نامه ای به تاریخ ۱۰ ماه رجب ۱۲۵۵ بوزش نامه حاجی میرزا آقاسی و فرمانهای ضمیمه آنرا به ارزروم فرستاد تا کلنل شیل آنرا برای پالمستون بفرستد، شیل ضمن نامه مفصلی بوزش نامه را مورد ایراد و انتقاد قرار می دهد و می نویسد «مطلب لارد پالمستون این نوع نیست.» محمدشاه و حاجی میرزا آقاسی از نامه کلنل شیل عصبانی می شوند ضمن تاسزاگویی به انگلیسی ها در صدد نوشتن بوزش نامه دیگری بر می آیند.

(دنیاله دارد)

## یادداشتها

۵۳۰. باید یادآور شد که اقامت کلنل شیل و دیگر اعضای نمایندگی انگلیس در ارزروم بیشتر برای زیر نظر داشتن رویدادهای ایران و مکاتبه با ایادی خود در این کشور بوده است.

۵۳۱. تلخیص شده از ممو راندم مفصل لرد پالمستون در مجموعه نامه های پارلمانی مربوط به ایران در سال ۱۸۴۱، صفحات ۵۳ تا ۵۸.

۵۳۲. منظور لغو مواد ۳ و ۴ عهدنامه تهران سال ۱۸۱۴ است که به موجب آن انگلیس متعهد بود چنانچه ایران از سوی يك دولت اروپایی مورد تجاوز قرار گیرد سالی دویست هزار تومان بعنوان کمک مالی به ایران بدهد. هنگامی که عباس میرزا برای پرداخت غرامتهای جنگ به روس ها طبق عهدنامه ترکمانچای سخت در تنگنا بود، سر جان مکدانلد کینیر در سال ۱۸۲۸ با پرداخت دویست هزار تومان، مواد مزبور را از عهدنامه خارج و باطل ساخت.

۵۳۳. در گذشته، در انگلستان مطالبی که برای ارائه به پارلمان به چاپ می رسید سانسور و بخشهایی که محرمانه بود از آن حذف می شد. بدین جهت گفتگوی حسین خان پالمستون در جلسه دوم، از روی صورت جلسه اصلی که با عنوان «مکاتبات با حسین خان» جزو نامه های چاپی با قید محرمانه (صفحه ۱۳) به چاپ رسیده و در دسترس بوده، ترجمه شده است. F.O. 60/68

۵۳۴. خلاصه شده از صور تجلسه گفتگوهای مفصل پالمستون و حسین خان در مجموعه نامه های پارلمانی مربوط به ایران در سال ۱۸۴۱. صفحات ۵۸ تا ۶۴ و مکاتبات با حسین خان، صفحات ۱۳ تا ۲۱.

۵۳۵. از نامه امپراتور روسیه که در همان هنگام به فارسی یدی ترجمه شده و در آرشیو وزارت امور خارجه ایران موجود است.

۵۳۶. از گزارش شماره ۱۲ مورخ ۲۰ فوریه ۱۸۳۹ شیل از ارزروم به پالمستون F.O. 249/31

۵۳۷. برای اطلاع از متن ترجمه انگلیسی معذرت نامه حاجی میرزا آقاسی مراجعه فرمایید به نامه های پارلمانی سال ۱۸۴۱، ص ۷۹.

۵۳۸. همان، ص ۷۸.

۵۳۹. همان، ص ۷۹.

۵۴۰. همان، ص ۷۵.

ترجمه فارسی نامه پالمستون به سفیر انگلیس در روسیه که احتمالاً در پترزبورگ صورت گرفته، توسط کلنل شیل برای وزیر امور خارجه ایران فرستاده شده است. میرزا علی نایب وزیر امور خارجه در نامه ای به تاریخ ۲ رمضان ۱۲۵۵ (۹ نوامبر ۱۸۳۹) ضمن اعلام وصول آن اظهار امیدواری کرده است که «جزوی کنورتی که بین دولتین بهم رسیده بود بسلم و صفوت میل شود.» آرشیو وزارت امور خارجه ایران.

۵۴۱. ضمیمه نامه شماره ۶۶ مورخ ۲۵ سپتامبر ۱۸۳۹ جاستین شیل از ارزروم به پالمستون F.O. 60/67

۵۴۲. ضمیمه همان نامه شماره ۶۶ مورخ ۲۵ سپتامبر ۱۸۳۹ جاستین شیل به پالمستون

543. F.O. 60/69

ترجمه انگلیسی این نامه در مجموعه F.O. 539/4 و مجموعه نامه های پارلمانی سال ۱۸۴۱، ص ۸۹.

۵۴۴. ترجمه انگلیسی نامه های پارلمانی سال ۱۸۴۱، ص ۹۰.

۵۴۵. ترجمه انگلیسی نامه های پارلمانی سال ۱۸۴۱، ص ۹۱.